

سعید حدادیان، مداح اهل بیت(ع): ادبیات مردمی را در حوزه ادبیات آیینی باید لحاظ کرد. گاهی بعضی از شعرها خیلی خوب است، ولی در خوانند اثرگذاری ندارد؛ به دلیل این‌که سهل نیست. شما یک بیت را توضیح بدهی وقت تمام می‌شود بعد از شما قرار است کس دیگری بخواند یا کس دیگری منبر برود.

دانشمندی داریم در حوزه ادبیات آیینی که بهترین ترجمه

ادبیات آیینی را نفی نکنید!

نهیج البلاغه، قرآن و صحیفه را دارد به نام استاد موسوی گرمارودی. بزرگ‌ترین شعر سدید معاصر را می‌گوید که هنوز روی دست آن نیامده؛ برای امیرالمومنین شعر سیدیدی می‌گوید که بی‌نظیر است، یعنی حتی کسانی که به شعر سیدید ارادت ندارند برای شعر سیدید موسوی گرمارودی سر تعظیم و تسلیم فرود می‌آوردند. طاهره صفارزاده هم در حوزه شعر سیدید آیینی زحمات بسیاری کشید. می‌خواهم بگویم که بعد از

گلوی اصغر هدف تیر شد

روایتی از مراسم عزاداری «اصغر صغیر(ع)» در شهرستان طبس

■ نمی‌توانم چون اولین بار بود که مرا تنها می‌فرستاد به یک شهر دیگر، گریه‌اش گرفته بود یا چون دلش برای آقاچون تنگ شده بود، البته خودش گفته بود چون توفیق عزاداری ندارم ناراحت است. ولی مگر توی شهر خودمان نمی‌شد عزاداری کرد. وقتی ازش پرسیدم گفت عزاداری تا سوعا عاشورای طبس حال و هوای دیگری دارد.

لای در را یواشکی باز کردم. محسن وسط اتاق دست و پا می‌زد و زن دایی دستانش را جلوی چشمانش گرفته بود و گریه می‌کرد. در قیزی صدا داد و زن دایی سرش را بلند کرد و من را دید؛ فوری در را بستم و خواستم فرار کنم که خاله فهمید و با صدای بلند گفت: چکار می‌کنی آتیش‌پاره؟ صدای زن دایی از توی اتاق آمد که گفت: آمده احوال من را ببیند!

این قدر که بچه با معرفتی است! حس غرور به من دست داد، بچه بودم و نمی‌فهمیدم زن دایی به خواهرشوهرش متلک می‌گوید. شجاع شدم و دوباره در اتاق را باز کردم و گفتم: زن دایی گریه نکن! محسن غصه می‌خورد اما زن دایی بیشتر گریه کرد. خاله با یک لیوان آب آمد توی اتاق و یک سری دلیل آورد که نمی‌خواستند دخالت کند، زن دایی حسایی دلخور بود و گفت که غریب گیرش آوردند. همان لحظه دایی با یک پارچه سبز بزرگ وارد خانه شد و یک راست آمد اتاق؛ زن دایی محسن را بغل کرد و گفت: دست از سر ما بردار دایی از ناراحتی سرخ شده بود، خاله منیژه دست مرا گرفت و گفت: ما پریم خاله جون!

دایی هم سر تکان داد که زودتر اتاق را ترک کنیم. من و خاله آندیم بیرون و توی حال نشستیم، من لای در را باز گذاشتم، صدای دایی و زن دایی می‌آمد. حتماً آن موقع خاله برای ایجاد این موقعیت فضولی چند بار توی دلش به من آفرین گفته بود.

دایی تا خواست چیزی بگوید، زن دایی گفت: جای بچه من عروسک بگیرند سرشان! نمی‌گذارم بچه مرا برداری ببری توی آفتاب، بگذاری تو اون گهواره و دور بدی دور شهر.

دایی گفت: آفتاب کجا بود؟ دور شهر کجا بود؟ اول این‌که رویش پارچه می‌اندازیم دوم این‌که در کل چند متر راه می‌برن و خلاص.

– خلاص؟ آره این تیر خلاص به منه

دایی از اتاق بیرون آمد و در را به‌هم کوبید. از من که آن موقع شش هفت سال داشتم تا آقاچون ۸۰ ساله توی حال نشسته بودیم حاج و واج دایی را برانداز کردیم.

دایی و زن دایی اصلا اهل دعوا نبودند، دایی سری تکان داد و برخلاف همیشه حتی به من هم توجه نکرد و رفت. آقاچون زیر لب استغفراللهی گفت و رفت توی حیاط. من ماندم و خاله منیژه! آن هم پشت در بسته اتاق که صدای گریه زن دایی از آنجا به گوش می‌رسید.

■ من دیگر نوه یکی یکدانه نبودم!

به خاله نگاه کردم. به در چشم دوخته بود و لابد او هم مثل من دوست داشت بفهمد پشت آن در چه شده؟ ولی رویه من کرد و گفت: «زن و شوهر دعوا کنند، اهلان باور کنند» بعد هم مشغول تمیزکاری شد. من خندیدم تا خیال خاله راحت شود ولی دل خودم راحت نبود. نگران محسن بودم، نه این‌که خیلی دوستش داشته باشم ولی نمی‌دانم چرا دلم برایش سوخت. با خودم فکر می‌کردم محسن چقدر غصه خورده وقتی زن دایی و دایی دعوایشان شده است. حالا که فکر می‌کنم می‌بینم آن موقع حس عجیبی نسبت به محسن داشتم، شش ماه بود که آمده بود و شده بود نوه کوچولو آقاچون و من دیگر نوه یکی یکدانه نبودم. محسن، دایی و زن دایی را که بماند خاله را هم صاحب شده بود. خاله مدام قربان صدقه‌اش می‌رفت و می‌گفت: «عمه دورت بگرد» زن دایی مدام به من می‌گفت: «برات پسر آوردم، کاکل به سر آوردم» به خیال خودشان برای من همبازی آورده بودند. توی دلم می‌گفتم: کاش نمی‌آوردی همه اینها باعث شده بود از شیرین‌کاری‌های محسن لجم بگیرد و از خدا که پنهان نیست از شما چه پنهان حتی یکبار از روی عمد دست بچه را لگد کردم. فکر کنم زن دایی فهمید چون با دایی پیچ‌کرد و دایی آن روز اصلا به من محل نگذاشت. با این‌که محسن را نمی‌خواستم ولی یکبار ته دلم یک جوری شد، همان باری که وقتی داشتیم می‌رفتیم حرم، زن دایی توی گوشم گفت: میشه با اون قلب کوچکت برای محسن دعا کنی تا شفا بگیره و خوب بشه؟ آن روز هزار بار دعا کردم محسن خوب شود و هزار بار از خودم خجالت کشیدم که محسن را نمی‌خواستم.

■ صدای گریه زن دایی

صدای گریه زن دایی از توی اتاق می‌آمد. دلم طاقت نیاورد اگر محسن مریض بود با دیدن اشک‌های مامانش بیشتر مریض می‌شد. من خودم آخرین باری که مامانم گریه کرده بود را خوب به یاد داشتم، همین هفته پیش بود. وقتی من را همراه خاله و دایی فرستاده بود طبس، پیش آقاچون. هنوز



کرمانشاه برگزار شد.

مداحان

مدیرکل سازمان تبلیغات استان کرمانشاه گفت: مداحان به‌عنوان سربازان امام‌زمان (عج) باید با شعر و مدح خود به بصیرت افراد جامعه بیفزایند. یادواره شهدای مداح استان کرمانشاه در تالار شهید آوینی

کرمانشاه برگزار شد. در این مراسم حجت‌الاسلام محمد میرزایی، مدیرکل سازمان تبلیغات استان کرمانشاه ضمن گرامیداشت یاد شهدا و تبریک هفته وحدت، اظهار داشت: حکومت الهی و ولایی آرژوی همه انبیا و اولیا در طول تاریخ بشر بوده، مبنای انقلاب اسلامی ایران است؛ در آن دور وکل اصلی و پایه‌ای یعنی امام وامت وجود دارد. وی اضافه کرد: امامت امر جامعه در زمان غیبت، به دست فقهای جامع‌الشرایط است. در یک جامعه ولایی، باید امت در مسیر امام قرار گرفته و حرکت کند. ماجرای عاشورا به دلیل این‌که امت، امام‌زمان خود را فراموش کرد، به وقوع پیوست؛ واقعه کربلا با کارهای عظیم جبهه باطل بر مردم که سبب جدایی امت از امام خود شده و امت ناآگاه، امام‌زمان خود را به بدترین شکل کشند.



انقلاب اسلامی شاعران و آثار فراوانی داریم و نسل به نسل هم بهتر شده است. حداقل جریان آقای مجاهدی و انسانی‌ها و چایچیان و مویدها و شفق‌ها تا بخواهم ببیام به امروز را گره بزنم، چهار نسل جا می‌ماند ولی همین قدر برای شما بگویم اگر امروز بخواهم اسم ببرم ک چیزی حدود ۵۰ اسم می‌شود که خیلی هم خوب شعر می‌گویند. من به شدت مخالفم با کسانی که ادبیات آیینی امروز را نفی می‌کنند.

مکت

کبوتران خونین بال

خونین‌بال به هوا پرواز می‌کنند و هنگامی که گلوی کودک خونین می‌شود، فریاد «گلوی اصغر هدف تیر شد» رباب خسته‌دل زمینگیر شد» یا نوای طبل و سنج همراه می‌شود. مراسم به گونه‌ای تنظیم می‌شود که بلافاصله اذان ظهر شروع شده و مؤذن با گفتن اذان، عزاداران را به نماز ظهر و عصر دعوت کند.



یکی از آیین‌های عزاداری شهرستان طبس، مراسم اصغرصغیر است. صبح روز نهم ماه محرم دسته‌های عزاداری در مجالس روضه‌خوانی شرکت می‌کنند. حوالی ظهر همه هیئات عزادار در محل هیات حسینی جمع می‌شوند و مراسم اصغرصغیر با نوحه‌خوانی و زنجیرزنی شروع می‌شود. در این مراسم گهواره‌ای که پیش‌تر با پارچه‌های سبز و مشکی و گل تزئین شده و بدل از گهواره حضرت علی‌اصغر است را روی سر می‌گیرند. در این گهواره طفلی حدوداً شش‌ماهه می‌گذارند و دو نوجوان سبزه‌پوش بر بالین کودک قرار دارند. گهواره بر دوش عزاداران در میان دسته‌های عزاداری تا داخل هیات حسینی حمل می‌شود. سپس مداحان درحالی‌که کودک را روی دست به عزاداران نشان می‌دهند مرتبه‌خوانی برای علی‌اصغر را شروع می‌کنند. در این بین کبوتران

نیست!« دایی گفت: «من توقع داشتم شمارا wish کتبن آقاچون!» آقاچون حرش را ادامه داد: «من ۱۰ سال روی منبر این شهر مراسم اصغرصغیر اجرا کردم! حالانه که هزارجور دوربین و تشویق به‌راهِه! اون سال‌ها که زاندارم‌ها هر مراسم تعزیه‌خوانی را می‌بستن! تازه من هم مامور دولت بودم و جرمم چند برابر!» دایی وسط حرف آقاچون پرید: «همین دست دایی را گرفت، اخم کرد و گفت: «در مکتب حسین درس آزادگی میدن! نه زورگویی!» دایی گفت: «آخه بچه منم...» آقاچون بیشتر اخم کرد و گفت: «مادارش نمی‌خواد! دلش رضا نمید!» زورتر را جای دیگه ببر! تو مکتب حسین زورگویی جایی نداره!»

زن دایی یک گوشه نشست، محسن را بغل کرد و گریه کرد. خاله نیال آقاچون رفت توی حیاط، صدای آقاچون می‌آمد که با خودش می‌خواند: «گلوی اصغر هدف تیر شد» رباب خسته‌دل زمینگیر شد...»

فردای آن روز مراسم اصغرصغیر برگزار شد، من از روی پشت‌بام خانه سرک می‌کشیدم و نگران بودم طفل روی گهواره نیفتد. تا حالا که ۳۰ سال از مراسم می‌گذرد و محسن هم خودش پدر شده، طفلان زیادی شفا گرفتند و نوبت به طفلان زیادی نرسیده‌است. آن سال وقتی کبوترهایی که بال‌هایشان قرمز بود به پرواز درآمدند، با خودم عهد کردم اگر او را به گهواره اصغرصغیر متبرک کنم و برایش نوحه آقاچون که حالا دیگه بین ما نیست را بخوانم.

عکس: هادیه آسپان

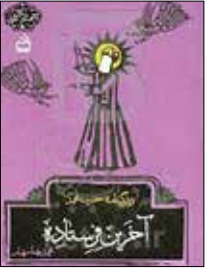
درنگ

همدلی‌های دیدنی

این همه از وحدت می‌گویم اما هیچ‌گاه به اندازه برخی مناسبت‌ها که مردم شیعه و سنی در کنار هم، تصاویر همدلی و یکرنگی را می‌سازند، این عقیقه قابل تصویر نیست. مردم کردستان هم همیشه در خلق این تصاویر ماندگار، پیشتاز بوده‌اند. فرهنگ و آگاهی عمیق این قوم باستانی هنوز هم لحناتی را می‌سازد که در هیچ جای دنیا قابل دیدن نیست. مردم سنندج در جشن میلاد حضرت مهربانی‌ها(ص) بار دیگر در کنار هم، فارغ از تفاوت‌های مذهبی، مسلح و صفا و مصمیمیت را به نمایش گذاشتند. تصویری که سال‌هاست به هر بهانه‌ای خودش را در بین هزاران تصویر، برجسته و دیدنی می‌کند.

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

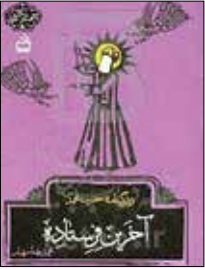
کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

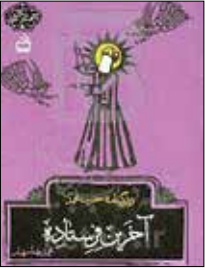
کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

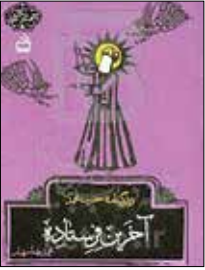
کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)

کتاب «آخرین فرستاده: زندگینامه حضرت محمد(ص) اثر محمدرضا سرشار از انتشارات مدرسه است. این کتاب یک جلد از مجموعه ۱۴ جلدی «چهارده آفتاب» است که انتشارات مدرسه آن را برای نوجوانان منتشر کرده است. این مجموعه سعی دارد با روایتی شیرین و دلپذیر از زندگی چهارده معصوم(ع)، راهزای محبوبیت و شکوه آسمانی آنان را روشن سازد. «آخرین فرستاده» نوشته محمدرضا سرشار، داستانی از زندگی حضرت محمد(ص) است که با بیانی روان و شیوا روایت شده است. در پایان کتاب نیز دو بخش «سال‌شمار» و «چهل سخن» ۴۰ جمله از سخنان ارزشمند پیامبر(ص) برای نوجوانان آورده شده است. در بخشی از متن این کتاب می‌خوانیم: شب به نیمه خود نزدیک می‌شد. آمنة تنها در اتاقش خفته بود که ناگاه از خواب بیدار شد. نخست ندانست که چه پیدارش کرده بود. دقایقی بیش نگذشته بود که حالتی خاص در درون خویش احساس کرد. این احساس برای او کاملاً تازه بود...



روایت

روایتی خواندنی از زندگی پیامبر(ص)